

ارزیابی شاخص‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه «رضایت از زندگی با رویکرد اسلامی»

حسینعلی مهربابی

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

مهرداد کلانتری

استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

چکیده

در راستای ارزیابی سنجش رضایت از زندگی از دیدگاه اسلام، در این پژوهش به ساخت و هنجاریابی «مقیاس رضایت از زندگی با رویکرد اسلامی» پرداخته شد؛ بر این اساس، ضمن مرور کتب دینی، ۳۸ گویه استخراج و پرسش‌نامه اولیه تنظیم شد. در قالب یک طرح پیمایشی-توصیفی، تعداد ۱۰۰ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه اصفهان انتخاب و با استفاده از این مقیاس ارزیابی شدند.

محاسبه تعیین روایی این مقیاس به شیوه شناسایی عوامل بنیادین و همبستگی مقیاس‌ها با نمره کل نشان داد این مقیاس دارای چهار عامل به نام‌های «احساس رضایت»، «سلوک رضایتمندانه»، «اعتقاد به خدا» و «امید به آینده» بود که همگی دارای همبستگی‌های مثبت

و معنادار بالایی با نمره کل مقیاس هستند ($p < 0/01$). محاسبه پایایی به شیوه آلفای کرونباخ هم نشان داد آلفای کل مقیاس برابر با $0/88$ است. ضریب آلفای مقیاس اول برابر با $0/80$ ، مقیاس دوم برابر با $0/73$ ، مقیاس سوم برابر با $0/80$ و مقیاس چهارم برابر با $0/57$ بود. مقایسه نمرات دانشجویان دختر و پسر هم در این مقیاس نشان داد میانگین نمرات دختران دانشجو در مقیاس‌های اعتقاد به خدا و احساس رضایت و کل مقیاس به‌طور معنی‌داری بیش از دانشجویان پسر بود ($p < 0/05$).

نتایج نهایی این تحقیق نشان می‌دهد مقیاس رضایت از زندگی اسلامی دارای روایی و پایایی مطلوبی است و قابلیت استفاده در فعالیت‌های پژوهشی و مداخله‌ای را دارد.

کلیدواژه‌ها: مقیاس‌های دینی، رضایت از زندگی، دانشجویان.

مقدمه و بیان مسئله

از جمله مباحث مطرح در روان‌شناسی، رضایت از زندگی است. در منابع اسلامی به این اصطلاح با عنوان «رضا» اشاره شده است و در ادبیات عرفانی جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد، به‌گونه‌ای که از مراحل نهایی سیر الی‌الله است.

رضایت از زندگی در تصور عده‌ای به معنی امید به آینده است، درحالی‌که امید به آینده یکی از نتایج رضایت یا عدم رضایت از زندگی است. به‌طوری‌که وقتی شخصی از زندگی خود راضی باشد نسبت به کسی که از زندگی ناراضی است، به آینده خویش امیدوارتر است؛ از این‌رو، رضایت از زندگی مفهومی کلی‌تر از امید به آینده است. از نظر عده‌ای، رضایت از زندگی یعنی ایدئال بودن تمامی شرایط مکانی و زمانی و فراهم بودن تمامی امکانات برای زندگی سالم و بی‌دغدغه، درحالی‌که مفهوم حقیقی رضایت از زندگی یعنی نگرش مثبت فرد به زندگی کنونی، با تمامی مشکلات و سختی‌ها، تلخی‌ها و ناکامی‌ها و در کنار آن پیروزی‌ها و موفقیت‌ها، شادی‌ها و پرورش استعدادها؛ درعین حال، تسلیم شرایط نامطلوب‌شدن و جبرگرایی با رضایت از زندگی منافات دارد.

رضایت از زندگی یعنی تمامی شرایط، محدودیت‌ها، آزادی‌ها را دیدن و برای رسیدن

به هدفی متناسب با امکانات موجود تلاش کردن؛ اما جبرگرایی یعنی زندگی را با شرایط فعلی قبول کردن و به همین وضع موجود راضی شدن. در حالت اول، تحول و تلاش و کوشش وجود دارد اما در حالت دوم، رخوت و درج‌ازدن.

مرور متون روان‌شناسی هم نشان می‌دهد یکی از عواملی که موجب افزایش رضایت از زندگی فرد می‌شود، ایمان مذهبی است و فرد با ایمانی که خداوند را حامی و مراقب خود می‌داند، احساس رهاشدگی، پوچی و تنهایی نمی‌کند. رفتار مذهبی جزء لاینفک همه ادیان الهی از جمله مسیحیت و اسلام است که روان‌شناسان و روان‌پزشکان کمتر به آن توجه کرده‌اند. لارسون و همکارانش در بررسی‌های خود دریافتند کمتر از یک‌درصد از مقالاتی که در مجلات روان‌پزشکی و روان‌شناسی چاپ شده، درباره پژوهش‌های مذهبی است (شهبازی، ۱۳۷۵). پژوهش‌هایی که در مورد رابطه بین مذهب و رضایت از زندگی انجام شده است، عمدتاً نشان داده‌اند که بین رضایت از زندگی و مذهب رابطه مثبتی وجود دارد (مایرز و دینر، ۱۹۹۵). هانگ و گیاناکپولس (۱۹۹۴)؛ به نقل از سلطانی‌زاده، ۱۳۸۴) پژوهشی را در مورد عوامل تأثیرگذار بر رضایت از زندگی انجام دادند. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که اعتماد به نفس، افسردگی، خشم، منبع کنترل و دینداری، ۳/۲۶ درصد کل واریانس رضایت از زندگی را پیش‌بینی می‌کند. در پژوهشی دیگر نتو (۱۹۹۵) دریافت که سلامت، روابط اجتماعی، منبع کنترل، داشتن مسکن خوب و مذهب، ۳۶ درصد واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کند.

مک کلر و لادن (۱۹۸۲) دریافتند که رضایت از زندگی، رابطه مثبتی با زمان سپری‌شده در فعالیت‌های مذهبی دارد. این زمان، هم شامل رفتارهای مذهبی عمومی / بیرونی (مانند عمل به اعتقادات مذهبی) و هم رفتارهای مذهبی خصوصی / درونی (مانند نیایش و دعاهای شخصی) است. ویلیتس و کرایدر نیز رابطه مثبتی را بین رضایت از زندگی، نگرش مذهبی و حضور در کلیسا یافتند (کشاورز، مهربابی و سلطانی‌زاده، ۱۳۸۸). نتایج پژوهش پلوما و پندلتون (۱۹۹۰) حاکی از آن بود که رضایت مذهبی، سهم بیشتری در پیش‌بینی رضایت از زندگی دارد و فراوانی حضور در کلیسا، نزدیکی به خدا و تجارب

روحانی در خلال نیایش، رابطه مثبت و معنی‌داری با رضایت از زندگی دارد. آدلر و فاگلی (۲۰۰۵) نشان دادند که رضایت از زندگی از میزان خودآگاهی به خوش‌بینی و معنویت‌گرایی فرد متأثر است؛ به عبارت دیگر، هرچه افراد خودآگاه‌تر و خوش‌بین‌تر، و معنویت‌گرایی بالاتری داشته باشند، به همان میزان رضایت بیشتری دارند.

علی‌رغم اهمیت آشکار دین برای افراد و گروه‌ها، روان‌شناسان به این موضوع کمتر توجه کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، در طول سال‌های تعیین‌کننده برای روان‌شناسی، اگرچه دین مورد علاقه بسیاری از دانشمندان قرار گرفت، مطالعات دینی مانند دیگر موضوعات، مثلاً روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی شخصیت، توجه زیادی را در میان پژوهش‌های روان‌شناسی به خود جلب نکرد (آذربایجانی، ۱۳۸۲).

با توجه به وجود تفاوت بین فرهنگ‌های غربی و ایرانی که با تعالیم اسلامی درآمیخته است، ضرورت تدوین ابزارهای روان‌شناختی جهت ارزیابی ویژگی‌های روان‌شناختی و با توجه به زمینه دینی زندگی مردم ایران ضروری به نظر می‌رسد.

رضایت از زندگی از جمله مقوله‌هایی است که کاربرد فراوانی در مطالعات دارد. اما در این زمینه ابزار ارزیابی مبتنی بر فرهنگ و بافت دینی اسلامی در ایران وجود ندارد؛ بر این اساس، در این پژوهش به ساخت و هنجاریابی مقدماتی فرم اسلامی رضایت از زندگی اسلامی پرداخته می‌شود. این ابزار با مرور مفهوم رضا در تعالیم و احادیث اسلامی و گویه‌سازی براساس این تعالیم عینی‌سازی و ساخته شد. مطالعه‌ای که قبلاً به ساخت چنین ابزاری در این زمینه پرداخته باشد مشاهده نشد و این مسئله ضرورت ساخت چنین ابزاری را بیش‌ازپیش برجسته می‌کند.

روش

روش تحقیق در این تحقیق روش پیمایشی بود که در آن به ارزیابی وسیع درباره یک مقوله در جامعه پرداخته شد. جامعه آماری این مطالعه شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بود؛ بر

این اساس، نمونه آماری این مطالعه تعداد ۱۰۰ نفر از دانشجویان دوره روزانه رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی بود که به شیوه تصادفی مستقل انتخاب شدند. ابزار پژوهش، مقیاس رضایت از زندگی اسلامی بود. این مقیاس پس از انتخاب برخی منابع و متون دینی و مرور این منابع و با خلاصه‌سازی مفاهیم اصلی استخراج شده از آن، تدوین شد. فرم اولیه دارای ۳۸ گویه بود. هر گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای شامل کاملاً موافقم (با نمره ۵) تا کاملاً مخالفم (با نمره ۱) تهیه شده بود. سه تن از متخصصان روان‌شناسی و صاحب‌نظران حوزوی این پرسش‌نامه را مطالعه و تأیید کرده‌اند.

تحلیل آماری داده‌های این مطالعه با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-۱۹ صورت گرفت.

بر این اساس، برای تعیین پایایی از روش آلفای کرونباخ، برای تأمین روایی از روش تحلیل عاملی به شیوه واریمکس و ضریب همبستگی پیرسون و برای مقایسه نمرات ابعاد مختلف رضایت از زندگی دانشجویان برحسب جنسیت از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج نشان می‌دهد که ضریب پایایی کل این مقیاس با حذف دو گویه ۲۸ و ۳۶ و معکوس‌سازی ۵ گویه دیگر، شامل گویه‌های ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۷، ۲۲، ۲۱ و ۲۴، به ۰/۸۸ افزایش می‌یابد که پایایی خوبی را نشان می‌دهد (جدول ۱).

جدول ۱. پایایی کل مقیاس رضایت از زندگی اسلامی

| تعداد آزمودنی | تعداد گویه | ضریب آلفای کرونباخ |
|---------------|------------|--------------------|
| ۱۰۰ | ۳۶ | ۰/۸۸۰ |

روایی محتوایی این پرسش‌نامه با ارائه آن به چهار تن از متخصصان روان‌سنجی و

صاحب‌نظران تعالیم دینی بررسی شد. نظرات این متخصصان بیانگر آن بود که محتوای گویه‌ها مقوله رضایت از زندگی را براساس تعالیم اسلامی ارزیابی می‌کند. به منظور تأمین روایی سازه این پرسش‌نامه، از روش تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش به شیوه واریمکس استفاده شد. با توجه به ضریب $0/68$ برای شاخص KMO، حجم کلی نمونه برای تحلیل عاملی تقریباً پایین است؛ معمولاً ضریب بالای $0/8$ را مبنایی برای کفایت حجم نمونه قرار می‌دهند. این درحالی است که از لحاظ آماری، این حجم نمونه معنادار است (جدول ۲).

جدول ۲. ارزیابی کفایت حجم نمونه جهت انجام تحلیل عاملی

| ضریب KMO | آزمون بارتلت | درجه آزادی شفریستی | معناداری |
|----------|--------------|--------------------|----------|
| $0/683$ | $1681/96$ | $0/630$ | $0/000$ |

تحلیل عاملی مرتبه اول، از ۳۶ گویه این مقیاس، استخراج ۹ عامل را براساس $66/47$ درصد از واریانس‌های این گویه‌ها نشان می‌داد. در این تحلیل عاملی، ۹ عامل استخراجی از مرتبه اول بار عاملی، بین $0/249$ برای عامل اول تا $0/73$ برای عامل چهارم اشتراک داشته‌اند.

ترکیب این عوامل مطلوب نبود؛ به‌گونه‌ای که برای عامل اول ۸ گویه، عامل دوم ۵ گویه و برای عامل هشتم ۲ گویه و برای عامل نهم تنها ۱ گویه لحاظ شده بود. بر این اساس و با توجه به اینکه تعداد ۹ عامل برای ۳۶ گویه زیاد است، تحلیل عاملی مرتبه دوم صورت گرفت.

تحلیل عاملی مرتبه دوم چهار عامل را نشان می‌داد که براساس $44/44$ درصد از واریانس‌های عوامل مرتبه دوم استخراج می‌شد. مبنای این عوامل هم بارعاملی بیش از ۱ بود (جدول ۳).

جدول ۳. تعداد عوامل و درصد واریانس تبیین شده در تحلیل عاملی مرتبه دوم

| عامل | مقدار ویژه اولیه | واریانس تبیینی | واریانس تراکمی | واریانس تراکمی چرخش یافته |
|------|------------------|----------------|----------------|---------------------------|
| ۱ | ۱/۰۰ | ۱۱/۱۱ | ۱۱/۱۱ | ۱۱/۱۱ |
| ۲ | ۱/۰۰ | ۱۱/۱۱ | ۲۲/۲۲ | ۲۲/۲۲ |
| ۳ | ۱/۰۰ | ۱۱/۱۱ | ۳۳/۳۳ | ۳۳/۳۳ |
| ۴ | ۱/۰۰ | ۱۱/۱۱ | ۴۴/۴۴ | ۴۴/۴۴ |

بر این اساس، می توان گفت مقیاس رضایت از زندگی اسلامی دارای ۴ خرده مقیاس است. با مرور گویه های این عوامل، به نظر می رسد این چهار عامل شامل «احساس رضایت»، «سلوک رضایتمندانه»، «اعتقاد به خدا» و «امید به آینده» است (جدول ۴).

جدول ۴. ترکیب عوامل پرسش نامه رضایت از زندگی اسلامی

| عامل | نام | تعداد گویه | گویه ها |
|------------|-----------------------|------------|---|
| عامل اول | احساس دوستی و رضایت | ۱۰ | ۱۵-۱۷-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۴-۳۸ ۱-۱۰ |
| عامل دوم | سلوک رضایتمندانه | ۶ | ۴-۷-۱۲-۱۸-۲۳-۳۱ |
| عامل سوم | اعتقاد به خدا و متانت | ۱۴ | ۲۶-۲۷-۲۹-۳۰-۳۳-۳۴-۳۵-۳۷ ۲-۶-۹-۱۱-۱۶-۲۵ |
| عامل چهارم | سلامت و امید به آینده | ۶ | ۳-۵-۸-۱۳-۱۴-۳۲ |

با توجه به استخراج چهار عامل، همبستگی این چهار خرده مقیاس با نمره کل محاسبه شد. عامل اول یعنی «احساس دوستی و رضایت» دارای ضریب همبستگی ۰/۸۲ با نمره کل رضایت از زندگی، عامل دوم «سلوک رضایتمندانه» هم دارای همبستگی ۰/۷۵ با نمره کل، عامل سوم یعنی «اعتقاد به خدا» هم دارای همبستگی ۰/۷۸ و عامل چهارم یا «امید به آینده» هم دارای رابطه ۰/۶۵ با نمره کل بود. تمامی این ضرایب همبستگی از لحاظ آماری

معنادار بوده و نشانگر آن است که تمامی عوامل زیرمجموعه مقیاس رضایت از زندگی دارای رابطه معنی‌داری با نمره کل هستند ($p < 0/01$).

بر این اساس، در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که مقیاس رضایت از زندگی اسلامی دارای ۴ خرده‌مقیاس یا عامل زیربنایی است که همگی دارای رابطه معنی‌داری با نمره کل هستند ($p < 0/01$)؛ از این رو، روایی این مقیاس براساس دو روش تحلیل عوامل بنیادی و روایی همگرا یا همبستگی عوامل با نمره کل هم تأیید می‌شود (جدول ۵).

جدول ۵. ضرایب همبستگی خرده‌مقیاس‌های مقیاس رضایت از زندگی اسلامی با نمره کل

| معناداری | ضریب همبستگی | عامل |
|----------|--------------|------------------|
| ۰/۰۰۰ | ۰/۸۲ | احساس رضایت |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۷۵ | سلوک رضایتمندانه |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۷۸ | اعتقاد به خدا |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۶۵ | امید به آینده |

با توجه به محاسبه خرده‌مقیاس‌های چهارگانه، ضرایب پایایی این مقیاس‌ها هم بررسی شد. عامل اول یعنی احساس رضایت با ۱۰ گویه ضریب آلفای ۰/۸۰؛ عامل دوم، سلوک رضایتمندانه با ۶ گویه ضریب آلفای ۰/۷۳؛ عامل سوم، اعتقاد به خدا با ۱۴ گویه آلفای ۰/۸۰ و عامل چهارم امید به آینده با ۶ گویه پایین‌ترین ضریب آلفا یعنی ۰/۵۷ را نشان می‌داد (جدول ۶).

جدول ۶. ضرایب پایایی خرده‌مقیاس‌های رضایت از زندگی اسلامی به شیوه آلفای کرانباخ

| معناداری | تعداد گویه | عامل |
|----------|------------|------------------|
| ۰/۸۰ | ۱۰ | احساس رضایت |
| ۰/۷۳ | ۶ | سلوک رضایتمندانه |
| ۰/۸۰ | ۱۴ | اعتقاد به خدا |
| ۰/۵۷ | ۶ | امید به آینده |

در ادامه، به مقایسه نمرات دانشجویان پسر و دختر در نمره کل و خرده‌مقیاس‌های رضایت از زندگی اسلامی پرداخته شد. نتایج نشان داد در خرده‌مقیاس «احساس رضایت» میانگین نمره دانشجویان پسر و دختر به ترتیب ۲۲/۶۴ و ۲۴/۶۷ بود. با توجه به ضریب F به دست آمده، نتیجه گرفته می‌شود تفاوت معناداری بین میانگین نمرات دانشجویان دختر و پسر در این مقیاس وجود دارد و احساس دوستی و رضایت دانشجویان دختر بیش از دانشجویان پسر است ($p < 0/05$). میزان این تفاوت ۹/۹ درصد بوده است که توان آماری ۸۹ درصد هم حاکی از دقت بالای این آزمون است.

در خرده‌مقیاس «سلوک رضایتمندانه»، میانگین دانشجویان پسر و دختر به ترتیب ۳۷/۰۴ و ۳۹/۳۱ بود که از لحاظ آماری معنادار نبود و می‌توان گفت که تفاوت معناداری بین نمرات سلوک رضایتمندانه دانشجویان پسر و دختر وجود ندارد. در خرده‌مقیاس «اعتقاد به خدا» میانگین نمره دانشجویان پسر و دختر به ترتیب ۴۹/۹۰ و ۵۳/۰۴ بود. با توجه به ضریب F به دست آمده، نتیجه گرفته می‌شود تفاوت معناداری بین میانگین نمرات دانشجویان دختر و پسر در این مقیاس وجود دارد و اعتقاد به خدا و متانت در دانشجویان دختر بیش از دانشجویان پسر است ($p < 0/05$). میزان این تفاوت ۸/۰۸ درصد بوده است که توان آماری ۸۰ درصد هم حاکی از دقت بالای این آزمون است. در خرده‌مقیاس «امید به آینده» میانگین دانشجویان پسر و دختر به ترتیب برابر با ۸/۸۰ و ۹/۲۴ بود که تفاوت آماری معناداری را نشان ندادند و می‌توان گفت که دانشجویان دختر و پسر در رضایت از زندگی در حیطه سلامت و امید به آینده تفاوت معناداری نشان ندادند.

میانگین نمره کل دانشجویان پسر برابر با ۱۱۸/۳۶ و دانشجویان دختر برابر با ۱۲۶/۲۷ بود. این میانگین‌ها تفاوت آماری معناداری را با یکدیگر نشان دادند و میزان رضایت از زندگی کل دانشجویان دختر به طور معناداری و به میزان ۹/۳ درصد بیش از دانشجویان پسر بود ($p < 0/05$). توان آماری ۸۶/۳ درصد هم حاکی از دقت آماری بالای این آزمون بود (جدول ۷).

جدول ۷. میانگین و مقایسه میانگین‌های نمرات خرده‌مقیاس‌های مقیاس رضایت از زندگی اسلامی

| توان آماری | میزان تفاوت | معناداری | F | دقیق | تکرار | آماره | عامل |
|------------|-------------|----------|-------|--------|--------|------------------|-----------------------|
| ٪۸۹ | ٪۹.۹ | ۰.۰۰۲ | ۱۰.۲۴ | ۲۴.۶۷ | ۲۲.۶۴ | میانگین | احساس دوستی و رضایت |
| | | | | ۲,۷ | ۳,۴ | انحراف استاندارد | |
| ۴۷,۱٪ | ۳,۸٪ | ۰,۰۶۰ | ۳,۶۳ | ۳۹,۳۱ | ۳۷,۰۴ | میانگین | رضایتمندانه سلوک |
| | | | | ۵,۵ | ۶,۰ | انحراف استاندارد | |
| ۸۰,۳٪ | ۰,۸٪ | ۰,۰۰۶ | ۸,۰۸ | ۵۳,۰۴ | ۴۹,۹۰ | میانگین | اعتقاد به خدا و متانت |
| | | | | ۴,۲ | ۶,۳ | انحراف استاندارد | |
| ۱۷,۴٪ | ۱,۱٪ | ۰,۳۰۸ | ۱,۰۵ | ۹,۲۴ | ۸,۸۰ | میانگین | سلامت و امید به آینده |
| | | | | ۱,۲ | ۹,۲ | انحراف استاندارد | |
| ۸۶,۳٪ | ۹,۳٪ | ۰,۰۰۳ | ۹,۵۱ | ۱۲۶,۲۷ | ۱۱۸,۳۶ | میانگین | نمره کل |
| | | | | ۱۰,۹ | ۱۳,۷ | انحراف استاندارد | |

نتیجه گیری

در این مطالعه براساس مرور منابع اسلامی، به ساخت و بررسی ویژگی های روان سنجی مقیاس رضایت از زندگی اسلامی پرداخته شد؛ بر این اساس، پس از تدوین پرسش نامه ای ۳۸ گویه ای براساس مبنای نظری ابزار، پایایی این مقیاس به شیوه آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتیجه این پایایی حذف ۲ گویه و معکوس سازی نمرات ۵ گویه بود تا آلفای پرسش نامه به ۰/۸۸ افزایش یافته و قابلیت کاربرد این مقیاس را در تحقیقات بعدی و فرایندهای بالینی رقم بزند. برای ارزیابی روایی این مقیاس هم در ابتدا نظر صاحب نظران، تأییدکننده محتوای گویه ها برای ارزیابی رضایت از زندگی اسلامی بود. تحلیل عاملی هم در نهایت چهار عامل به نام های «احساس دوستی»، «سلوک رضایتمندانه»، «اعتقاد به خدا» و «امید به آینده» را به عنوان زیرمجموعه های این مقیاس نشان می داد که همبستگی معناداری با نمره کل نشان می دادند. پایایی این خرده مقیاس ها هم بین ۰/۵۷ برای خرده مقیاس امید به آینده تا ۰/۸۰ برای دو خرده مقیاس احساس رضایت و اعتقاد به خدا بود. پایایی پایین خرده مقیاس سلامت و امید به آینده شاید متأثر از تعداد کم گویه های آن بوده باشد.

نتایج این مطالعه مقدماتی بیانگر آن است که این مقیاس دارای قابلیت استفاده به عنوان ابزاری قابل اعتنا جهت ارزیابی رضایت از زندگی اسلامی در جامعه ایرانی است و می توان جهت شناخت، سنجش، تعیین نقش و مقایسه رضایت از زندگی اسلامی یا ایرانی آزمودنی ها از آن بهره جست؛ با این حال، می طلبد که در مطالعات بعدی براساس نمونه هایی بزرگ تر و برگرفته از افراد عادی جامعه و نه لزوماً دانشجویان در جهت هنجاریابی آن اقدام کرد. البته بهتر است روایی هم زمان یا وابسته به ملاک آن براساس ابزارهایی نظیر رضایت از زندگی داینر هم بررسی شود. پیشنهاد می شود که به تعیین نمره برش این مقیاس براساس شناخت افراد راضی از زندگی و اجرای این مقیاس بر آنها و مقایسه با افراد عادی جامعه از طریق تحلیل تمایزات هم اقدام شود کماینکه محاسبه نمرات استاندارد برای نمره کل و به ویژه نمرات خرده مقیاس ها می تواند محققان و درمانگران را در جهت نیم رخ رضایتی فرد یاری کند؛ با این حال، می توان نتیجه گرفت

که پرسش‌نامه «رضایت از زندگی اسلامی» دارای روایی و پایایی مطلوبی بوده و قابلیت استفاده در مطالعات و زمینه‌های بالینی را دارد.

علاوه‌براین، می‌طلبد که محققان بعدی به بررسی بیشتر تفاوت مردان و زنان در مؤلفه رضایت از زندگی پردازند تا مشخص شود آیا واقعاً در جامعه ایرانی رضایت از زندگی زنان در مؤلفه‌های احساس دوستی و رضایت و اعتقاد به خدا و نمره کل بیش از مردان است یا نتایج مشاهده‌شده در این مطالعه ناشی از جامعه آماری دانشجویی یا خطای نمونه‌گیری است تا در ادامه به تبیین دقیق این تفاوت پرداخته شود.

کتابنامه

۱. آذربایجانی، مسعود. ۱۳۸۲. مبانی نظری مقیاس‌های دینی. تهران. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. سلطانی‌زاده، محمد. ۱۳۸۴. «بررسی رابطه بین لذت جسمانی و هیجان‌طلبی با سلامت ذهن در دانشجویان دانشگاه اصفهان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. دانشگاه اصفهان. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
۳. شهبازی، آ. ۱۳۷۵. «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی درونی و برونی و سلامت روان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد رودهن.
۴. کشاورز، امیر؛ حسینعلی مهربانی و محمد سلطانی‌زاده. ۱۳۸۸. «پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس سلامت روانی، سبک‌های مقابله با تنیدگی و بازخوردهای مذهبی». روان‌شناسی تحولی. سال ششم. شماره ۲۲: ۱۵۹-۱۶۹.
5. Adler, M. G. and Fagley, N. S. 2005. «Appreciation: Individual differences in finding value and meaning as a unique predictor of subjective well-being». Journal of personality. 73, p 412-425.
6. Hong, S., & Giannakopoulos, E. 1994. «The relationship of satisfaction with life to personality characteristics». The Journal of Psychology. 128, p 547-558.
7. Larson, R. 1978. «Thirty years of research on the subjective well-being of older Americans». Journal of Gerontology. 33.p 109-125.
8. McClure, R. F., & Loden, M. 1982. «Religious activity, denomination membership and life satisfaction». Psychology. 19. p 12-17.
9. Myers, D. G., & Diener, E. 1995. «Who is happy?» Psychological Science. 6. P 10-19.
10. Neto F. 1995. «Predictors of satisfaction with life among second generation migrants». Social Indicators Research. 35. p 93-116.
11. Poloma, M. M., and Pendleton, B. F. 1990. «Religious domains and general well-being». Social Indicator Research. 22. p 255-276.

